

# رهائی



سال دوم ، شماره ۸۱  
سه شنبه ۲ تیرماه ۱۳۶۰  
پهنا ۱۰ ریال

## برای انعکاس اخبار مبارزات توده‌ها

### نشریه سازمان وحدت کمونیستی

## آغاز شمارش معکوس عمر رژیم جمهوری اسلامی!

بعد از قیام از همان آغاز حاکمیت جدید، جنابات و حشیانه‌ی رژیم نسبت به زحمتکشان و نیروهای انقلابی بطور مستمر و پیگیر دنبال شد. در این سرکوبها، هر دو جناح حاکم شرکت داشتند و در تمام جنابات رژیم بطور مستقیم سهیم بودند. از کودتای ۲۸ مرداد ۵۸ و طرح ولایت فقیه در مجلس خبرگان، اختلاف دولت موقت و حزب جمهوری اسلامی، که از قبل نیز وجود داشت، شکل تازه‌ای بخود گرفت. اختلافات دولت موقت و حزب جمهوری اسلامی به‌سجوجه در ضرورت سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی و بازسازی سرمایه‌داری نبود، بلکه عمدتاً در شیوه‌ی سرکوب و نحوه‌ی بازسازی بود. بدنبال شکست رژیم در اولین حمله‌ی نظامی سراسری به کردستان (که مزدورانی نظیر ابوشریف و چمران از تعزیه‌گردانان روی صحنه‌ی آن بودند)، بدنبال درهم ریختن توهم بیشتر از پیش توده‌ها نسبت به رژیم (که تیلور آن درانتخا - سات شورای شهر انعکاس یافت)، بدنبال اوج مجسده مبارزات زحمتکشان، خلقها، سازمانهای دانش آموزان، دانشجویان و غیره، حزب جمهوری اسلامی در فکر صحنه سازی و نمایش جدید افتاد که هم رقیب خود را در حاکمیت را به عقب بنشانند، هم مبارزات توده‌ها را منحرف و سرکوب کند و هم قانون اساسی فوق ارتجاعی، ولایت فقیه را که آماده برای رفرا دوم بود) و احتمال بسیار داشت با بی توجهی مردم مواجه شود، از تصویب بگذرانند. در اینحال نمایش مسخره‌ی "مبارزه‌ی ضد امپریالیستی" بعین آمد.

"مبارزه با امپریالیسم" یا "انقلاب بزرگتر از انقلاب اول" دیدیم که با چه فضا حتی بگور سپرده شد. قانون اساسی فوق ارتجاعی، ولایت فقیه، از همان روزاول توسط رژیم زیر پا گذاشته شد. مشکلات اقتصادی و اجتماعی رژیم نه تنها تخفیف نیافت بلکه ابعاد گسترده و هولناکی بخود گرفت. بازرگانان از نخست وزیری به شورای انقلاب و بعد به مجلس رفت، جای او را بنی صدر پر کرد.

## “رهائی” سه بار در هفته منتشر میشود

رژیم جمهوری اسلامی، برای استقرار مطلق و قطع حاکمیت ضد انقلابی خود، همواره کوشیده و امروز بیش ازهر وقت دیگرمی کوشد که توده‌ها را در بی اطلاعی کامل از جریان مبارزات بگذارد. برای ایجاد یاس و ناامیدی و جو رعب و وحشت، قدرت سرکوبگرانه خود را عمده ویر - جسته کند. بهمین علت، رژیم ولایت فقیه که دشمن زحمتکشان و آگاهانی آنهاست، تاکنون هر بار قبل از آغاز سرکوبهای خود شیوه‌ی بستن روزنامه‌ها، حمله به نهادهای دموکراتیک، برقراری سانسور کامل را در پیش گرفته است.

امروز، سبب از هر زمان دیگر، سازمانهای کمونیستی و انقلابی وظیفه دارند با تمام امکانات خود علیه خواست رژیم و برای درهم شکستن سانسور و اختناق بمبارزه بر - خیزند و با انتشار خبرنامه‌ها، اعلامیه‌ها و غیره، این توطنه رژیم را درهم شکنند، و اطلاعات و اخبار مبارزاتی توده‌ها در سراسر کشور را در اختیار آنها قرار دهند. سازمان ما تصمیم گرفته‌بمهم خود در این مبارزه شرکت فعال داشته باشد.

روزهای بحرانی و بی‌تلاطمی را می گذرانیم. روزهایی که می تواند آبخش حوادث مهمی باشد. مدتها بود که خشم‌های فروخورده، امیدهای بر باد رفته، آتش‌های زیر خاکستر، انقلاب به تاراج رفته، در مقابل ما قرار داشت. مدتها بود که اوباشان چاقو و دهنه‌وز-۳ بدست، بدون ترس از مقابله و مجازات، هر که را می خواستند میزدند و می کشتند، هر اجتماعی را با سلاحهای گرم و سرد به خون می کشیدند و از هیچ جنایتی فروگذار نمی کردند. کم کم داشت این فکر در ذهن مردم جای پای خود را محکم میکرد که هیچ کار نمی توان کرد. کم کم داشت یاس و ناامیدی، سم مهلک خود را بذهن فرو می پاشید. این بمعنای تحکیم کامل پایه‌ها و آغاز بنای ضد انقلاب بود. این بمعنای آغاز مرحله نهایی شکست انقلاب بود.

آغاز شمارش ...

اختلافات حزب و بنی صدر، که یکی میخواست قدرت بلامنازع داشته و دیگری سهم بیشتری در حاکمیت را طلب میکرد، در آغاز در اتاقهای دربسته آغاز شد. یسار میانه های عمده و اکثره های ولایت فقیه و حتی امام جماران، میناقض و وحدت و همتای حل اختلاف یکی بعد از دیگری با شکست مواجه شدند، و برکناری بنی صدر در دستور روز قرار گرفت.

رئیس جمهور که مانند بازرگان مدنیهای طولانی در تمام اقدامات سرکوبگرانه رژیم شرکت داشت، وقتی که دید حزب جمهوری اسلامی قدم به قدم هدف خود در "حذف" او را دنبال میکند، کذایانه و فریبکارانه به فکسر توده ها و دفاع از آزادیها افتاد و حملات مستقیم خود را به رهبران حزب جمهوری اسلامی و دولت رجایی آغاز کرد. و این سرکشی و مخالفت آشکار، برای حزب جمهوری اسلامی و آیت الله خمینی قابل تحمل نبود.

یک رشته حوادث ریز و درشت منجمله جنگ ایران و عراق که نزدیک به ۲ میلیون تن از هموطنان ما را از ما و ما و مسکن خود رانده و در گوشه و کنار ایران پراکنده است، سرکوب و کشتار مداوم و بی وقفه خلق کرد، بیکاری، فقر و گرانگی که بر دوش زحمتکشان جامعه سنگینی میکند، دزدی، فساد و ارتشا در بیسین حاکمان جدید، اقدامات جنایتکارانه دادگاههای شرع و پاسداران سرمایه که هر روز عده ای از مردم بی دفاع و با عناصر انقلابی جامعه را از دم تیغ میگذرانند، همگی به تشدید و تعمیق بحران سیاسی در هیات حاکمه و ایجاد شکاف در میان دو جناح آن کمک کرده است در این شرایط برای جناح مسلط حزبی دیگر غیر قابل تحمل بود که رئیس جمهور (هرچند در رابطه با منافع خاص خودونه در جهت منافع مردم) رسماً و علناً علم مخالفت برافرازد.

برای رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، برکناری رئیس جمهور متمرّد و بیمان شکن، وسیله ای بیش نیست.

هدف همچنان و همواره، سرکوب نیروهای انقلابی و خفه کردن هر نوع صدای اعتراض نسبت به استقرار حاکمیت ارتجاعی و ضد مردمی سرمایه و ولایت فقیه است.

از زمانیکه رژیم اسلحه را در مقابل باخواستهای حق طلبانه ی دموکراتیک مردم بمنابهای یگانه وسیله ی ممکن برای پایمال کردن حقوق آنها درجنگ فشرده در واقع جنگ داخلی را در ایران آغاز کرده و این کار را که با وقایع خونین نوروز ۵۸ سنندج و فروردین ۵۸ گنبد و بویژه کودتای ۲۸ مرداد شروع کرده بود از آن به بعد در اشکال مختلف ادامه داد. بطوریکه امروز میخواهد آنرا به عریان ترین و بی پرده ترین شکل آن در سرتاسر کشور گسترش دهد. در این میان اگر چه بنی صدر بعنوان مانع اولیه قرار دارد اما در واقع هدف اصلی او نابودی نیروهای انقلابی است تا بخیال خام رهبران جمهوری اسلامی "کار را بکسره" کنند.

رژیم جمهوری اسلامی اینبار نیز در "تحلیل" هبا و "محاسبات" خود کور خوانده است. نه اعداد ۲۳ انقلابی قهرمان بلکه حتی براه انداختن حمام خون و کشتار هزاران هزار نفر از مردم و نیروهای انقلابی نیز، هیچ یک از مشکلات گریبانگیر رژیم را حل نخواهد کرد و آنرا از ورشکستگی اقتصادی و استعمال اجتماعی و درماندگی سیاسی نجات نخواهد داد. و صدای اعتراض چهار میلیون بیکار، دو میلیون آواره ی جنگی، میلیون ها توده های ناراضی و زحمتکشان شهری و روستایی و خلقهای تحت ستم بویژه خلق قهرمان کرد را خاموش نتواند کرد.

زحمتکشان جامعه و نیروهای انقلابی، با مبارزه و اتحاد و تشکل و مقاومت خود، اینبار نیز توطئه های رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را با شکست مواجه خواهند کرد. رهبران جمهوری اسلامی کور خوانده اند که میتوانند با تحمیل جنگ داخلی به توده ها، به حاکمیت پوتالی خودقوامی بخشند. جمهوری اسلامی با طرح عریسان و آشکار جنگ داخلی، در صدد کندن گور خویش است. ■

"رهائی" سه بار ...

تسلیم یا مقاومت و تعرض؟ پاسخ در بطن وقایع روز ۳۰ خرداد جوشید. جنابات و خشیانه ی همیشگی رژیم در این روز بدون پاسخ نماند. اعداد ۲۳ انقلابی و کمونیست توسط رژیم، نشانه ای از ضعف و وحشت و استعمال رژیم است و نه نمونه ای از قدرت او. اتحاد عملی که مباحثه در صفحات رهائی درباره ضرورت آن سخن گفته ایم در روز ۳۰ خرداد در صحنه مبارزه، تحقق یافت. هواداران کلیه سازمانهای کمونیستی، در رویا روشی مجاهدین با اویاتان رژیم، حضور فعال داشتند.

حفظ و تداوم این روحیه، در کشاندن روز بروز بیشتر توده به صحنه مبارزات با دلسرد و منفعل کردن آنها، نقش اساسی خواهد داشت. سازمان ما بعنوان بخشی از جنبش کمونیستی ایران در این باره احساس مسئولیت می کند. انتشار "رهائی" سه بار در هفته، گامیست برای پاسخ به این مسئولیت، و مبارزه علیه اختناق و سانسور، و ارائه اخبار مبارزات توده ها. و این وظیفه ایست بدوش کلیه سازمانهای کمونیستی و انقلابی و تا آنجا که به سازمان ما مربوط می شود، علی رغم محدودیت امکانات ما در چاپ و بخش، از هیچ کوششی در این زمینه فروگذار نمی کنیم و در همینجا مردم مبارز بویژه از هواداران سازمان میخواهیم که با رساندن هر چه سریع تر اخبار و اطلاعات و نیز با هر وسیله ای که در اختیار دارند از جمله با تکثیر شماره های رهائی برای بخش هر چه وسیع آنها در بین توده ها ما را یاری دهند و نقشه های شوم رژیم را در سرکوب کامل آزادیها و در استقرار استبداد ولایت فقیه، نقش بر آب سازند. ■

از قتل در کفاشی شارل ژوردان

قاتل در تاقسی

الف - در مصاحبه ی تلویزیونی با کارشناسان تعیین حدود و شغور آزادی سیاسی! آزادی شناس مشهور، کیانوری چنین فرمودند که در دیکتاتوری شاه چنین بود و چنان، و خلاصه آزادی نبود! خودکامگی تا بدانجا پیشرفته بود که روز روشن محافظ ثابتی (مقام امنیتی) مرد بیگناهی را به قتل می رساند و .... اما در جمهوری اسلامی خوشبختانه چنین است و چنان و ....

ب - ۲۳ اردیبهشت ۶۰، در حوالی میدان خراسان، در غروب نه چندان روشن! یکی از "رزمندگان دلیر اسلام" بنام محمد رضا مقیمی راننده تاکسی بیگناهی بنام محمد علی ساکتی را در پی مشاجره بر سر کرایه تاکسی به قتل می رساند و ....

ج - آیا آزادی شناس مشهور ما خواهد توانست در حکومت بعدی هم طی مصاحبه ای اعلام کند که در جمهوری اسلامی چنین بود و چنان، آزادی نبود! خودکامگی و هرج و مرج تا بدانجا پیشرفته بود که در غروب نه چندان روشن! کیمته چی بست فطرتی راننده تاکسی بیگناهی را به قتل می رساند و .... اما در (؟) خوشبختانه چنین است و چنان و .... ■

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

## ... این غریب نو میدانهی مرغی شکسته پراست که سقوط می کند ...

رهبران "موعظه میکنند، رهبران" نصیحت میکنند، "رهبران" گریه میکنند، "رهبران" تهدید میکنند؛ دست همه را قطع خواهند کرد... و اگر لازم شد علیه رای ۳۶ میلیون رای صادر خواهند کرد. سردمداران و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، زحمتکشان را سرکوب میکنند، خلقها را بخون میکشند، کارگران را به گلوله می بندند... انقلابیون را به بندمی کشند، شکنجه میکنند، سرور میکنند، و آنگاه که به استیصال میرسند آنها را دستجمعی به جوخوی اعدام میسازند.

اگر روزگاری مزدوران ساواک به تلافی خون همکاران دزخیستان انقلابیون (و از جمله ۹ تن انقلابی گروه حرنی و مجاهدین خلق) را به دست جلادان آریا مهری می سردند و سپس دست به صحنه سازیهایی از قبیل "قتل به هنگام فرار" میزدند. مزدوران ساواک اسلامی، امروزه زحمت چنین صحنه سازیهایی را به خود همسوار نکرده و به وقتیجانه ترس شکل ممکن نوحش قرون وسطایی خود را در حفظ نظام سرمایه داری آشکار میسازند.

روز یکشنبه ۳۱ خرداد ۶۰، "دادستانی ضد انقلاب" طی اطلاعیه هایی ابتدا خبر اعدام ۱۵ تن و سپس ۸ تن دیگر از انقلابیون را اعلام کرد. این عده اکنون را از میان دستگیرشدگان درگیریهای روز شنبه (۳۰ خرداد) انتخاب شده و "دادستانی ارتجاع" تنها نام ۱۱ نفر از آنها را اعلام کرده است. دزخیستان جمهوری اسلامی حتی فرصت فراهم کردن بهانه های فریبکارانه ای همیشگی را هم نداشته و اعلام "شروع رای دادگاه" را به بعد موکول کرده است.

در حالیکه تعداد بسیاری از کمونیستها و سایر

انقلابیون ماههای متمادیست که در زندانهای شهاخته جمهوری اسلامی به حالت بلاتکلیف بسر میبرند. در عرض کمتر از ۳۰ ساعت "دادگاه ضد انقلاب مرکز" ۲۳ تن از فرزندان انقلاب، زحمتکشان میهن ما را بدست جوخه ای اعدام میسازند و خود اقرار میکنند که حتی نام اغلب آنها را نمیدانسته است.

اگر آریا مهر زنده بود بی شک در مقابل این همه وقاحت و سفاکی وارثین خود سرتعظیم فرود میسازد. مزدوران سرمایه، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی چنان به استیصال رسیده اند که آخرین صحنه های تاریخ آریا مهری را یک به یک و به سرعت در پوشش حجاب اسلامی و به شکل کمدی وار آن تکرار میکنند تا آخرین غریب خود را نومیدانه در سراسیمه سقوط تاریخ، نظام پوسیده سرمایه داری از حنجره ای متعفن خویش سردهند؛ دست همه را قطع خواهیم کرد...

اگر تاریخ جمهوری اسلامی تکرار آخرین نمایشات شاهنشاهی است، تاریخ مبارزات توده ها، تاریخ خون، تاریخ تلاش در راه رهایی از قید سرمایه، تاریخ رزم دلاورانه فرزندان انقلابی زحمتکشان است که بی شک خون ۲۳ انقلابی شهید:

- ★ بهوش آذریان
- ★ آذر احمدی
- ★ منوچهر اویسی
- ★ علیرضا رحمانی
- ★ طلعت رهتما
- ★ اصغر زهتابچی
- ★ سعید سلطانیور
- ★ جعفر قنبرزاد
- ★ حسین مرتضوی
- ★ ...
- ★ ...

آخرین سطور برجسته ای آن نخواهد بود.

گرامی باد یادشان

## کشتار انقلابیون بدون جواب نخواهد ماند

مرگ چمران،

سرنوشت تلخ یک جلاد

مخاطبی چمران، از رهبران حزب ارتجاعی اصل، از قاتلین تل زعفر و از عوامل قتل و کشتار در کردستان بویژه در باوه، یکی از نمایندگان خمینی در شورابعالی، دفاع، وزیر دفاع سابق، نماینده مجلس شورای اسلامی از باران قدیمی مهدی بازرگان، بطرزی مشکوک درسوتگرد کشته شد. در مشکوک بودن این امر همین سرکه دستگاه های تبلیغاتی رژیم ساعتها در اینباره سکوت کرده و بر خلاف معمول درباره ای آن هایپوی برآه نیا نداخت.

مصطفی چمران مزد آن همه جنایاتی را که در خدمت به رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، بویژه در کردستان انجام داد، گرفت. و این سرنوشت تلخ مزدوران و سرسپردگان است که تا دیروز از پایه گذاران حاکمیت ولایت فقیه بودند و در استقرار این حاکمیت ارتجاعی و سرکوب توده ها، نقش اساسی داشته اند و امروز همچون دستمالی مستعمل به دور ریخته میشوند. این فقط سرنوشت تلخ مزدوران دیروز رژیم نیست، این سرنوشت تلخ در انتظار تمام کسانی (بویژه رهبران حاکم و مزدوران کنونی جمهوری اسلامی) است که در خیانت به زحمتکشان از هیچ جنایتی فروگذار نمیکند.

★ منتشر شد

لا اردیبهشت  
خبرنامه کارگری  
سازمان وحدت کمونیستی

شماره ۲۷



پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی



# زنده باد مبارزات توده‌ها!

برای بسیاری از مردم که حوادث قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بخاطر دارند، و شاهد رخنه‌های اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در آن زمان بوده‌اند، و توطئه‌چینی‌ها و سیاست‌های حزب توده با مرتجعین و سبب‌تدارک کردن آن‌ها در خاطرتان بوده‌اند، حوادث چند ماه اخیر سبب شده است که بسیاری از خاطرات تلخ گذشته است: «خود را به میدان در صحنه» که استیوار بجای شعبان جمعی، ما شاء الله فضا و هادی عقاری را در رهبری خود دارند. و بجای حزب توده از فلسفی‌ها و کاتسانی‌ها از رهبر مستعینا دستور دریافت می‌دارند و شعار همیشه جاودان روحانیت را بجای یعنی مرکز بر کمونیسم را سر می‌دهند.

تعدادی دیگر که تحریفی ۲۸ مرداد را جز از طریق کتب و روایات سیاسی نمی‌شناسند و بالعکس خاطرات سالهای ۵۷ و روزهای قیام در اذهانتان زنده است، این حوادث سیاسی آخرین ما بهای غروب سلطنت است. «شعارها، سخنان و کلمات» اشکال مختلف مبارزاتی مورد استفاده و... خلاصه همین حرکات موجود: عدم دخالت ارتش در امور سیاسی، درگیری با جماعت‌داران دولتی، اساطیل رژیم سرمایه‌داری و غرب در خطاهای مردم، در نزد مردم انگیزه تکرار تجربه قیام است. گویی حتی اصل مسووم بودن توده‌ها نیز باید رعایت گردد و این با رنجای توده‌ها، بوجه سنی صدر جایگزین شود.

اما اگر در محله، حوادث مستواند با داور تجارت گذشته باشد و این تجارت در صورت برخورد صحیح به آن مستواند مورد استفاده قرار گیرد، در واقعیت آنهم در سیر مبارزات مردم هیچ چیز دوباره عیناً تکرار نمی‌گردد. خاطرات و حوادث، صرفاً مستواند مغزی باشند که سربوهای اجتماعی از خلال آن واقعیهایی خود را موجه جلوه دهند. ارتباط منطقی خود را با گذشته حفظ کنند و در سیر حوادث آینده، خود را و تاریخ را باز نهند. هر چند که در این کمپانی غم انگیز، بسیاری از شخصیتها و احزاب و رتبه با اندک جایگاهی و تکرار متحکم با حفظ اما لیب‌آسا و شعارهای تکراری و مردان تکراری بسند دیده آیند.

سنی صدر، متحد نیست. اما ادای مصدق را در می‌آورد. سنی صدر نمی‌تواند متحد باشد، زیرا آن شرایط اجتماعی که مولد وجود شخصیتی همچون مصدق بود، دیگر وجود خارجی ندارد تا بتواند شخصیت مناسبی خوست را سازد. با ابطال سنی صدر بعد از یادوستی ولایت‌نعمه. امروز میخواهد خود را متحد جلوه دهد زیرا که بسیار مشکل امکان ایران شخصیت‌آهیم برای یک "شخصیت" مرده همانا متوسل شدن به نزدیکترین الگوی مورد نظر است. و بورژوازی مفلوک ایران راهی جز الگو قرار دادن "شخصیتی" که از دیدگاه مردم از خوستام‌نریس رخنه سیاسی معاصر است، ندارد و بنشینان مصدق و وحیبه ملی و مذهبیست. با حالی شدن مضمون اجتماعی سالهای ۳۰ تکرار گرفته میشود تا بتواند سنی نوایی سیاسی این سخن از کلمات حاکمه را در معادله بخش دیگر حیران کند. اما از آنجا که اندیشه‌ای برین حقوق بورژوازی و حتی با زلمانی اسلام، در نزد "متفکرین اسلامی" مبارزه با آل محمد" و "انچه اظهار" نموده مسود و دستور قتل عام، براجتی صادر میشود. بورژوازی مفلوک ایران، راهی جز این ندارد که به صدور اعلامیه در اجتماع و دستور العمل از بالا متوسل شود. اینبار اسلوبهای سال ۱۳۵۷ مورد استفاده قرار میگیرد تا تجربه و سبب سال ۱۳۳۲ زنده شود، با آنکه وقایع سالهای ۳۲ و ۵۷ هر دو "حقانیت تاریخی خود را از دست داده‌اند و اینستار

بازی نمایش به سادگی دفعات گذشته نیست: اگر خمینی با دستورالعمل و صدور بیانیه مستواند بر کمرده‌ی توده مردم سوار شود، از آن رو بود که از یکسو در عین مبارزات سیاسی و اجتماعی و با آگاهی مردم از امکانات بیشتری برخوردار شود، و از سوی دیگر شرایط منحصی منطقه، جهان و ایران و زرد سندهایی که در خنوت‌انجا گرفته بود از او شخصیتی "فاطم" مساحت.

خمینی که از نظر موضع سیاسی و مذهبی به شیخ فضل الله نزدیکتر است، خود را همان کاتسانی - تاسا آنجا که وی علیه کمونیسم موضع منکبند - نشان میدهد. اما در حقیقت موضع واقعی احسان - او - جایگاهی که او بر آن حکم میراند - به شیخ فضل الله و نه کاتسانی، بلکه شخص شخصی است که او سال دور سال پیش، بعد از سالها معاناتها او غلبه‌ای به‌صورت رزده برداشت: آریامهر، و حسن مونسینی - با توجه به منش دیکتاتورمآبانه‌ای که در سرتاسر افکار و حرکات وی مشخص است - فقط این راه را - راه و روس - پیش خود را برای او باقی میگذارد، و همچون واقعیت - تمام و مهربان به تلخ و نغم سردارزد، و همچون او اعسدام و کشتار را در دستور کار خود قرار دهد.

اما همچنانکه تاریخ، متدبیس و متحدی را بکنار نهاد، و از "انظوری" او جز برای تجربه آموزی چیزی باقی نگذاشت، و ظهور مجدد او را در شمایل بی‌صدر غیر ممکن ساخت، دیکتاتورمآبی خمینی و شاه کشیدن او را نیز به شعوری باطل بدل کرده است.



آنچه را که بمنابیدی اخبار در این شماره و شماره‌ها دیگر خواهید خواند بی‌شک جز، کوچکی از مقاومت حماسه آفرین، مردم علیه خودکامگی نظام جابرانده سرمایه - داری است. موبد آنست که مرغ ففتوس قیام ۵۷ از زیر خاکستر خود در حال بر کشیدن است و مبارزهای سبب خروش در حال تکوین است که موجودیت رژیم جمهوری اسلامی ایران را به خطر بزرگی افکنده است. خطری بمراتب سهمگین تر از آنچه که در طول این دو سال و اندکی، رژیم جمهوری اسلامی با آن مواجه بوده است. نسیمی که هم اکنون وزیدن گرفته است جز از طوفانی عظیم میدهد که اسلام عزیز و تمام جماعتم "جاهلان" آنرا درهم می‌نوردد.

استکه رژیم بدین گستردگی و بی‌برده با او باستان خود به میدان می‌آید، اینک سیاه و کمنده، بی‌مهابا رگبار گلوله را به سمت مردم تلک می‌کند و اینک به بخشهایی از ارتش وارد کارزار میشوند، حکام شرع دست به اعدامهای بی‌در پی می‌زنند، و حتی جان زندانیان نیز از حمله او باستان رژیم در امان نیست، نشان از آن دارد که رژیم جمهوری اسلامی گمراه با سودی تمامی مخالفین خود بسته است. اما آنچه که بصورت مقاومت جای گسردگی مردم و نیروهای انقلابی و تعرض و مساحت انسان علیه نیروهای فداانقلابی در جریان است نیز نشان از آن دارد که مردم معمم هستند با فداکاری و مبارزهای سخت، رژیم را در حمله‌ی خویش تا کام گذارند. شرایط مساعد مبارزاتی، روی آوری هر چه بیشتر مردم به صف نیروهای انقلابی و متغرد شدن رژیم در نزد مردم، فرصتی است تا این چنین را به جنبشی گسردگی علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران تبدیل نمائیم و در عمل به تقویت مبارزات توده‌ها همت گماریم.

# هسته‌های مقاومت توده‌ای را سازمان دهیم

# اخبار

■ چهارشنبه ۶۰/۳/۲۰

یکی از جوانان زحمتکش محله ی نازی آباد ، بنام علی حیدر بابا زاده ، بخاطر اعتراض به کتک زدن يك دختر در میدان سپه ، مورد حمله ی وحشیانه ی پاسداران قرار گرفت و توسط آنان به شهادت رسید .

■ چهارشنبه ۶۰/۳/۲۰

يك ماشین متعلق به پاسداران توسط مردم انقلابی که از جنایات و وحشیانه ی مزدوران چماق بدست به خشم آمده بودند ، در خیابان سپید خندان به آتش کشیده شد .

■ شنبه ۶۰/۳/۲۲

ساعت ۴/۳۰ الی ۵ بعد از ظهر سه موتور متعلق به پاسداران که قبلا از سوی مردم مبارز شناسائی شده بود در میدان فردوسی به آتش کشیده شد . ضمنا همان روز حدود ساعت ۵/۴۵ بعد از ظهر ، در فاصله ی ایرا - نشهر - فردوسی يك موتور متعلق به پاسداران توسط يك جوان انقلابی به آتش کشیده شد . این عمل انقلابی هنگامی رخ داد که پاسدار صاحب موتور برای برهم زدن بحث خیابانی و پراکندن مردم به میان جمعیت رفته بود .

■ یکشنبه ۶۰/۳/۲۴

حدود ساعت ۸ شب ، عده ای نزدیک به ۱۰۰ نفر دست به يك تظاهرات موضعی در خیابان جمالزاده زدند . تظاهر کنندگان در تقاطع جمهوری و جمالزاده با صف پاسداران مواجه شدند و به درگیری با آنها و حمله الهی ها پرداختند .

■ یکشنبه ۶۰/۳/۲۴

یکشنبه شب در منطقه ی حمزه آباد تظاهراتی توسط گروهی از هواداران "مجاهدین" بنفخ بنی صدر انجام شد . در این تظاهرات گروهی از مردم زحمتکش منطقه که از ستم سرمایه داری به تنگ آمده اند و به اشتباه بنی صدر را حلال مشکلات خود میپنداشتند نیز شرکت داشتند . بعد از مدتی افراد سپاه پاسداران برای انجام وظیفه ی "مقدس" سرکوب توده ها به منطقه آمده و به مردم حمله کردند . مردم ضمن دفاع از خود و طی درگیری ۲ نفر از پاسداران را زخمی کردند .

■ دوشنبه ۶۰/۳/۲۵

حزب جمهوری به کمک ارگانهای سرکوبگرش مشتمل کمیته ها طی هفته ی گذشته هر روز بین ساعات ۶ الی ۶/۱۵ صبح ، با يك اتوبوس خط یاخچی آباد - پارک شهر عده ای از دختران فلانژ را از میدان چهارصد دستگاه نازی آباد برای انجام تبلیغات ارتجاعی خود و دستگیری دختران انقلابی و مبارز به نقاط دیگر شهر میبرد و شب باز میگردد .

■ دوشنبه ۶۰/۳/۲۵

حدود ساعت ۱/۴۰ بعد از ظهر يك تظاهرات موضعی با شرکت حدود ۵۰ - ۴۰ نفر و با شعار "یا مرگ ، یا آزادی" از خیابان جمالزاده راه افتاد . قبل از خیابان انقلاب طبق معمول چماقداران به آنها حمله کردند و عده ای را مورد ضرب و شتم قرار داده و حدود ۱۰ نفر از دختران را به ماشین کمیته ی منطقه ی ۶ که در صحنه حاضر شده بود تحویل دادند .

■ دوشنبه ۶۰/۳/۲۵

حدود ساعت ۳ بعد از ظهر بعد از سخنرانی آیت اله خمینی سیل چماقداران در اطراف خیابان انقلاب ، جمالزاده ، کارگر ۰۰۰ دسته های ۱۰۰ نفری با شعار "مرگ بر ضد ندای قران ،" همراه با اکیپهای شناسائی و تعداد زیادی از پاسداران ملبس به لباس شخصی به حرکت درآمده و تعدادی را در خیابان کارگر دستگیر کردند .

■ سه شنبه ۶۰/۳/۲۶

بدنبال یورشهای اخیر مزدوران به نیروهای انقلابی افراد کمیته ی منطقه ی ۱۳ عده ای از هواداران نیرومهای کمونیست و انقلابی ساکن محلات خانی آباد نو ، یاخچی آباد ، نازی آباد و علی آباد را دستگیر کردند . گفته میشود که از منطقه ی خزانه نیز حداقل ۳ نفر از جمله يك دختر مبارز دستگیر شده اند که از سرنوشت آنها فعلا اطلاع دقیقی در دست نیست .

■ سه شنبه ۶۰/۳/۲۶

سه شنبه شب ، سپاه پاسداران در ادامه ی سیاست سرکوبگرانه اش به یکی از خانه های تیمی "مجاهدین" محله ی چاله مگس واقع در شهر ری یورش برد و به قصد

تصرف خانه شروع به تیراندازی کرد ساکنین خانه مذکور که بین ۴ تا ۷ نفر گزارش شده اند متقابلا دست به مقاومت مسلحانه زدند . تیراندازی تا پاسی از شب ادامه داشت و گاز اشک آور فضای منطقه را پر کرده بود . طی مقاومت مسلحانه ی ساکنین خانه ۲ الی ۴ تن از پاسداران به ضرب گلوله ی انقلاب بیون از پای درآمدند . این حمله با دستگیری ساکنین خانه به پایان رسید . خبر این درگیری و مقاومت قهرمانانه ی انقلاب بیون وسیعا در بین کارگزاران کارخانه های اطراف شاه عبدالعظیم پخش شده بود .

■ سه شنبه ۶۰/۳/۲۶

در منطقه ی صالح آباد (ابتدای اتوبان بهشت زهرا بین اوپاش حزب اللهی و مردمی که از سرکوب و ارعاب رژیم به تنگ آمده اند ، یک درگیری رخ داد که طی آن ۳ الی ۴ نفر از اوپاش زخمی شدند .

■ ورامین - سه شنبه ۶۰/۳/۲۶

در این روز بدنبال راهپیمائی اعتراض آمیز مردم قرچک ورامین ، بین تظاهرکنندگان و اوپاش و افراد کمیته و سپاه درگیری شدید ی پیش آمد . طی این درگیری ، پاسداران سرمایه و اوپاش ارتجاع ؟ الی ۴ نفر مردم زحمتکش را به شهادت رساندند . مردم نیز در مقابل این هجوم ساکت ننشسته و بایک هجوم انقلابی کنفرانز پاسداران مزدور را از پای درآوردند . صبح روز بعد ، بدنبال اعتراض بوقایع شب گذشته تظاهراتی از سوی مردم برپا شد که مجددا "مورد حمله افراد سپاه پاسداران قرار گرفت . طی این حمله نیز پاسداران بسوی مردم تیراندازی کردند ولی کسی زخمی یا کشته نشد .

■ چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷

بعد از ظهر تعداد قلیلی از هواداران مجاهدین در میدان شهر ورامین هنگام پخش نامه بنی صدر ، با عکس العمل مخالف ۵۰ الی ۶۰ نفر از حاجی ها و مغازه داران مواجهه میگرددند . گردن کلفت های ورامین بدور میدان میچرخند و شعار میدهند . این جریان با دستگیری سه دختر هوادار مجاهدین توسط کمیته شهر خاتمه می یابد . از آن روز به بعد تظاهرات متعده ی توسط حزب اللهی ها در ورامین انجام گرفته است . ساعت ۱۰/۲۰ چهارشنبه بیش از دو هزار نفر در قرچک ورامین دست به تظاهرات زدند . پس از نزدیک به نیم ساعت کمیته ی قرچک با کمک پاسداران مستقر در پادگان توحید که در چند کیلومتری محل واقع است از دو طرف تظاهرکنندگان را محاصره کرده و از پشت به آنها تیراندازی کردند که در نتیجه بین سه الی پنج نفر کشته و حدود ۱۰ نفر زخمی شدند . ظاهرا کسی در این واقعه دستگیر نشد ولی درگیریهای پراکنده در خیابانهای قرچک تا ساعت ۱/۳۰ صبح ادامه داشت .

■ چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷

ساعت ۶/۳۰ الی ۷ بعد از ظهر در چهارراه حمزه یاخچی آباد بدنبال بحث های خیابانی بین مردم و اوپاش حزب اللهی که در بین آنها افراد کمیته با لباس شخصی نیز دیده میشدند ، درگیری رخ داد . در این درگیری مردم در مقابل یورش اوپاش و افراد کمیته به مقاومت و حمله متقابل پرداخته و ۳ الی ۴ نفر از آنها را راهی بیمارستان کردند .

■ چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷

بنا بر اخبار رسیده ، عده ای از جوانان انقلابی مبارز با استفاده از کوکتل مولوتف یک ماشین شورلت متعلق به سپاه پاسداران را در سه راه زندان ، ابتدای خیابان معلم ، منفجر کردند .

■ چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷

ساعت ۹ شب افراد کمیته ی منطقه ی ۱۳ پاس از محاصره ی کامل منطقه از طریق خیابانها و حتی پشت بامها ، که از صبح آنروز شروع شده بود به یکی از مراکز نیمه علنی "مجاهدین" در منطقه ی نازی آباد یورش بردند . منظور از این یورش وحشیانه دستگیری هواداران "مجاهدین" و مردم مبارزی بود که به اعتراض به سرکوبهای اخیر مزدوران رژیم گرد آمده بودند . یورش وحشیانه ی پاسداران که مجهز به مسلسل و گاز اشک آور بودند با مقاومت افراد داخل ساختمان روبه رو شد . در خاتمه ی این درگیری بیش از صد نفر توسط پاسداران دستگیر شدند که ضمن انتقال به اتوبوس سپاه مورد ضرب و شتم شدید پاسداران قرار گرفتند و متقابلا به حمله دست زدند . این عده به زندان صالح آباد که زندان سپاه پاسداران است منتقل شدند .

عصر همانروز تعداد زیادی از والدین دستگیر شدگان بعنوان اعتراض در مقابل ساختمان کمیته ی ۱۳ واقع در میدان نازی آباد تجمع کرده و دست به افشاگری زدند . بنا بر گزارشهای موثق ، دستگیر شدگان در طول شب تا صبح پنج شنبه در داخل زندان بشدت مورد ضرب و جرح قرار گرفتند ، بحدیکه شش نفر از آنها که وضعشان وخیم بود به کمیته ی ۱۳ منتقل شدند . سپاه پاسداران زیر فشار مردم که خواستار اعلام علت دستگیری فرزندان شان بودند ، به دروغ اعلام کرد که بخاطر یافتن عکسهای سکسی ( ) شیشه های کوکتل مولوتف و عکسهای شاه سابق ( ) در ساختمان مذکور به دستگیری ساکنین آنجا مبادرت ورزیده است . و یکبار دیگر ثابت کرد که در تبلیغات دروغ دست رژیم شاه را از پشت بسته است .





قزوین ( شهر صنعتی ) پنج شنبه ۲۸ / ۳ / ۶۰

در پی سخنرانی رئیس کمیته شهر صنعتی قزوین در مورد بالا بردن تولید و حمله به بنی صدر، کارگران حاضر اعتراض کرده و وی را به سختی کتک زدند. بدنبال آن پاسداران نیز که بنفع رئیس کمیته دخالت کرده بودند، کتک مفصلی خوردند.

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر، کارگران پس از صحبت با یکدیگر در کارخانه های مختلف، تصمیم بسته راهپیمایی علیه حزب جمهوری اسلامی و خفقان و استبداد گرفتند. دقایقی بعد هزاران نفر از کارگران بسا شعارهای مرگ بر بهشتی، مرگ بر فرسنگانی، بسوی قزوین به تظاهرات پرداختند.

صف کارگران در حدود چهار کیلومتر بسوی شهر پیشروی کرده بود که پس از عبور از پاسگاه پلیس راه، توسط ۶۰ پاسدار مسلح مورد حمله قرار گرفت. پاسداران سرمایه کارگران را به رگبار گلوله بستند.

طبق آمار موثق در این کشتار که یاد آور کشتار کارگران جهان چیت توسط رژیم شاه است، یازده نفر شهید، بیش از پنجاه نفر زخمی و چند صد نفر دستگیر شدند. کارگران همچنین جسد چهار کارگری را که هنگام گلوله باران به باغهای اطراف پناه برده بودند، پیدا کردند.

گزارش دقیق از داخل کمیته مرکزی قزوین حاکی است که کارگران دستگیر شده را که حدود ۳۰۰ نفر هستند، بشدت کتک زده و شکنجه میکنند. همچنین حدود ۴۰ نفر از کارگران زخمی در بیمارستان امام صادق قزوین بستری هستند.

تبریز ۳۰ / ۳ / ۶۰

در این روز تبریز از حمله اوپاشان و پاسداران سرمایه در امان نبود. اخبار رسیده حاکی از آن است که در یک درگیری بین مردم از یک سو و پاسداران مرتجع از سوی دیگر در مقابل بازار تبریز، یک نفر از هواداران مجاهدین شهید شد و یک پاسدار هم از پای درآمد. حدود ۵۰۰ نفر نیز دستگیر شدند. در هنگام تشییع جنازه مجاهد شهید، پاسداران و اوپاشان حزب جمهوری اسلامی به شرکت کنندگان در مراسم حمله کرده و چند نفر را دستگیر کردند.

گزارشی کوتاه از خیابانهای مرکزی تهران

در بعد از ظهر شنبه ۳۰ / ۳ / ۶۰

ساعت ۱۵ / ۲، چهارراه مصدق - طالقانی درگیریهای پراکنده ولی شدیدی میان گروههای حزب اللهی و افرادی که هواداران مجاهدین بنظر میرسند در جریان است. پسر جوانی در حالیکه فریاد میزند "الله اکبر" از دست یکعده حزب اللهی و چماق به دست میگریزد. حزب اللهیها در مقابل هتل رویال گاردن جمع شده اند و سروصدای شعار دادنشان بلند است. چند اتوبوس و اتومبیل سواری را هم متوقف کرده اند و بنظر میرسد قصد دارند آنها را بگردند. از چهارراه مصدق - طالقانی تا میدان فلسطین جو متشنج است، اما از فلسطین به بعد طالقانی نسبتاً آرام است.

حدود ساعت ۵، خیابان جمهوری در تقاطع مصدق، صدای تیراندازی از حوالی چهارراه مصدق انقلاب و بالاتر بگوش میرسد. گله های حزب اللهی در گوشه و کنار پرسه میزنند. بعلت بسته بودن خیابان مصدق تراکم جمعیت زیاد است اما درگیری دیده نمی شود.

۱۵ / ۵، چهارراه حسن آباد (حافظ - سپه) درگیری یا تجمع وجود ندارد، اما اغلب منازعه های خیابان سپه بسته اند، که غیرعادی بنظر میرسد. بعضی منازعه ها هم درهایشان باز است اما کزکره ها را پائین کشیده اند و گویا منتظر اتفاقی هستند. در حوالی میدان ۱۵ خرداد (ارک) چند عابر با هم صحبت میکنند، مردی اطلاع میدهد که در جلوی دانشگاه چند منازعه و اتومبیل را آتش زده اند و میگوید که دیده پنا - سداران دختری را که اعلامیه بخش میکرده دستگیر کرده اند.

ساعت ۶ خیابان سپه، حوالی تقاطع با مصدق، صدای تیراندازی شنیده میشود. بعلت بسته بودن خیابان در نزدیکی مجلس اتومبیلها مجبورند از خیابانهای فرعی به راه خود ادامه دهند. در همین حوالی یکعده حزب اللهی به ماشین پلیس که در نزدیکی کلانتری متوقف شده هجوم آورده اند تا دختری را

که روسري به سر دارد و هوادار مجاهدین بنظر ميرسد از ماشين بيرون کشند ، اما پاسبانها سعی دارند جلويشان را بگيرند .

حدود ساعت ۶/۱۵ - ميدان باغشاه ، خيابان کارگر ، خيابان بسيار شلوغ است . يك دسته حزب اللهی با چند حزب اللهی ديگر که در يك ماشين شخصی مجهز به بيسيم و بلندگو نشسته اند صحبت و کسب تکليف ميکنند . اغلب حزب اللهی ها مسلح به چوب و چماق هستند . يك پسر حدودا ۱۴ ساله کابل کلفتی را بصورت يك چماق دسته دار در آورده و در دست گرفته است .

ساعت ۶/۴۵ همراه مطهری ( تخت طاووس ) - مصدق ، خيابانهای فرعی بسيار شلوغند ، چون اتومبيلها از فاطمی ، که بعلمت شلوفی بسته است سعی ميکنند از راههای فرعی خود را به تخت طاووس برسانند . صدای تيراندازی از خيابان مصدق ، بالاتر و پائين تر از همراه به گوش ميرسد . راننده يك اتومبيل ميگويد : " از زير خمياره در رفتيم ، گرفتار رگبار مسلسل شديم " .

حدود ساعت ۵ بعد از ظهر يك صف از مجاهدین در حدود ۴۰۰ - ۳۰۰ نفر ، از شمال خيابان نجا - تاللهی ميگذرد ، آنها شعار ميدهند : " مرگ بر بهشتی " ، " ملت بياخيزيد حزب شده رستاخيز " ، " تظاهرات مجاهدین را ۱۷ شهريور کردند " . صف تظاهرات در تقاطع خيابان کریمخان متفرق ميشود و در اين هنگام چند بين فالانژ که یکی از آنها دشنه ای به طول ۳۰ سانتيمتر در يك دست و شلاق در دست ديگر دارد از پشت بطرف مردم ميدود . وی سپس وارد فيشرباد ميشود . یکی از فالانژها ناگهان به طرف پسر جوانی حمله کرده و شروع به نشردن گلوی او ميکند . پسر فریاد ميکشد " بخدا من مجاهد نيستم " که فالانژ دشنه و شلاق بدست سر ميرسد و پس از زدن چندین ضربه شلاق او را رها ميکند .

دو نفر که از بیمارستان آباد انا آمده اند ، ميگویند ، تا ساعت ۵/۳۰ ، ۱۴ کشته به آنجا آورده اند .

حدود ساعت ۶ از حوالی میدان فردوسی صدای انفجار شدیدی به گوش ميرسد .

در تظاهرات امروز ، حجت الاسلام های غفاری در سرکوب تظاهرکنندگان نقش بسيار فعال دارد . او مرتبا با ماشين خود ( فيات ۱۴۲۴۱ اصفيان ۱۱ ) در حال حرکت به اينطرف و آنطرف ، تيرانداری هوایی و دستگیری افراد " مشکوک " يا بعبارت ديگر مخالف حزب الله است .

در ساعت ۵/۴۵ در تقاطع تخت طاووس ( مطهری ) - مصدق ، غفاری که مرتبا به اينطرف و آنطرف ميرود و عريده ميکشد ، به منزل سه طبقه شماره ۴۰۲ که در اولين ايستگاه اتوبوس خيابان مطهری واقع شده است " مظنون " ميشود ، چون گویا دو سه تن از تظاهرکنندگان به اين خانه پناهنده شده اند . غفاری به محض بسته دیدن در ورودی ، شروع به تيراندازی بسمت آپارتمان ميکند و همدستان وی مرتبا برايش خشاب عوض ميکنند و او هم بدون وقفه به آنجا تيراندازی ميکند .

بالاخره عده ای از ساکين منزل به پشت بام ميروند . دستياران غفاری نيز وارد خانه ميشوند و از میان همه يکفراکه ساکن آن خانه نيست دستگیر و بقيه ساکين هر سه طبقه را کتک ميزند . سپس غفاری به تيراندازی بسوی منزل ديگری که نزديکتر به تقاطع است ميرد از در روی در و ديوار اين آپارتمان آثار حدود ۴۰ گلوله بخوبی نمايان است .

پس از جريان حمله ، او و یکی دو تن از او - اش همراه او وارد گراند هتل ميشوند و بدون دستگیر کردن کسی بيرون می آیند . بعد سرتقاطع تعداد زیادی از اتومبيلها را متوقف و راننده يا سرنشينان بعضی از آنها را کتک زده و يا به فحش ميکشند . در تمام صحنه ها خود غفاری اسلحه بدست در اين کارها پيشقدم است . در اين جريان عده ای حزب اللهی مرتبا بطرف گروههای چند نفری تماشاچی هجوم ميرند و هر کس را که فرار ميکند دستگیر و بدون توجه به استعداد های وی بشدت مضروب کرده و بعد تحويل ماشين کيته و يا اتوبوس مخصوص ميدهند .

فرمانده سپاه پاسداران اروميه توسط انقلابيون کرد کشته شد .